

## تبیین ریشه‌های مفهومی متداوم معماری در خانه‌های بومی

(نمونه موردی: خانه‌های بومی اردبیل)

توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات متداوم در فرهنگ بومی از مقولاتی است که ریشه در تاریخ معماری ایران دارد و موجب شده است مؤلفه‌های معماری ایران در طی قرون مختلف بستری تکوینی همگام با رشد و دگرگونی‌های فرهنگ ایرانی داشته باشد. ورود فرآورده‌های معماری غرب و تغییر ساختارهای فضایی گذشته، سبب از بین رفتن معماری بومی شده و در مقابل آن حس نوستالژی و یا حسرت نسبت به گذشته را ایجاد کرده و در پی آن توجه به ساختارهای معماری بومی از ورای توجه به مؤلفه‌های شکلی و تقلید از قالب‌های فضایی سنتی و بومی به صورت مؤلفه‌های تزئینی، توجه به معنا، مدنظر صاحبان اندیشه بوده است. ارتباط بین صورت و ماده و محتوا و قالب در معماری گذشته، روح خلاق و سازنده تفکر ایرانی را شکل می‌دهد، در این صورت است که معماری به صورت فضاهای چندبعدی و چندسطحی نمایان و بدین طریق خاطره‌ای در ذهن فرد تبلور می‌یابد که این خاطره سبب تقویت بنیان‌های معماری امروز می‌شود. این پژوهش نیز با بررسی ریشه‌های متداوم و ریشه‌های گسست سعی در آسیب‌شناسی و تحلیل عناصر کالبدی و فضایی خانه‌های بومی با رویکردی معنایی دارد.

### اهداف پژوهش:

۱. شناسایی شاخص‌های متداوم اثرگذار در ارزش‌های معماری هر منطقه.
۲. شناسایی عوامل شکل‌دهنده تداوم معماری در خانه‌های بومی اردبیل.

### سؤالات پژوهش:

۱. کدام مؤلفه و شاخص می‌تواند در تداوم ارزش‌های معماری هر منطقه تأثیر داشته باشد؟
۲. چگونه می‌توان عوامل شکل‌دهنده تداوم معماری را در خانه‌های بومی اردبیل شناسایی کرد؟

**کلیدواژه‌ها:** تداوم معماری، گسست در معماری، خانه، معماری بومی.

## مقدمه

شناخته‌شده‌ترین روش برای بازشناسی معماری هر منطقه آن است که براساس تاریخ و باتوجه‌به وقایعی که در پهنه‌های جغرافیایی اتفاق می‌افتد کم‌وکیف آن منتشر شود. معماری یک پدیده است که در هر منطقه با بذر همان منطقه در خاک کاشته می‌شود و نمایانگر سلیقه و ویژگی‌های بومی آن منطقه هست. اگر همین بذر در جایی دیگر کاشته شود حاصلی یکسان نمی‌دهد؛ معماری ایران نیز همین‌گونه است؛ دارای جلوه‌هایی است که از اندیشه عرفان ایرانیان نشئت‌گرفته و توسعه پیدا کرده است. نقطه آغاز شناخت، ویژگی‌های کالبدی است و به‌دست‌آوردن پیوندی میان شکل و ماده و معنای آن، معماری ایران و بناهای شناخته‌شده در آن دو نظام کلی را شکل می‌دهد. نظام ساختاری که نظام هندسی بنا نیز نامیده می‌شود و نظام شکلی که نظام آیین استقرار حجم‌ها و سطح‌ها و کنج‌ها نامیده می‌شود و موجودیت زمان بر هر دو قسمت تأثیر می‌گذارد (فلامکی، ۱۳۹۱: ۴۰) اندازه (یعنی سنجیده و معتدل، اندازه، یعنی شناخته و آرامش‌بخش، اندازه یعنی آشنا و نوآور) موضوع دیگری که در معماری امروز بسیار می‌بایست از معماری گذشته مورد استفاده قرار گیرد. انتظام و نظم فضایی است که در ساختار فضایی بنا می‌بایست لحاظ گردد. در معماری ایران و به‌خصوص خانه‌های قدیمی ماده، صورت، معنا، شکل بیرونی، ساختار درونی و نقش مفهومی یکی می‌شود. در معماری ایران و مخصوصاً دوره صفویه نمای بیرونی نمایانگر راز درون نیست؛ بلکه ساختاری شکل و زیبا ارائه می‌دهد که این ساختار شالوده اصلی بنا را می‌پوشاند. تداوم ارزش‌های معماری به‌عنوان یکی از موضوعاتی است که در طول دوره‌های مختلف تاریخی مدنظر اندیشمندان بوده است؛ بنابراین شناخت مؤلفه‌های تداوم‌بخش در معماری می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه ارزش‌های معماری هر منطقه گردد.

برای تداوم معماری دو راه‌حل وجود دارد، یکی توصیف معماری‌های موجود و دومی نمایش ابزارهای شکل‌دهنده معماری مطلوب و مقبول نو و یا جدید که هر دو این راه‌حل‌ها می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ریشه‌دار کردن ساختار معماری معاصر ایفا نماید که بهترین راه‌کار برای رسیدن به این راه‌حل نیز شناخت، توصیف و تفسیر و تحلیل عناصر و شاخصه‌های معماری گذشته هست. به‌طورکلی می‌توان گفت برای توسعه و رشد و گسترش معماری امروز نیاز به راهی نو برای شناخت و افزایش معماری است. باتوجه‌به بحث مطرح‌شده و تحلیلی که از ساختار معماری نو ارائه می‌گردد، برای تداوم معماری نیاز به ویژگی‌های بومی و پایدار هر منطقه و تبدیل به عناصر اصیل، بسیار مهم و حائز اهمیت هست. این اصل‌ها بر پایه سلیقه معماری‌های محلی و در حرمت‌گذاری بر جو فرهنگی اثرگذار بر نیازها و رفتارهای محیطی سبکی نو در معماری پدید می‌آورد که ارائه‌دهنده و تداوم‌دهنده معماری گذشته است.

این پژوهش به‌دنبال واکاوی ریشه‌های مفهومی تداوم معماری در خانه‌های بومی اردبیل است. بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. لذا در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است، این موضوع بررسی می‌شود.

## نتیجه‌گیری

با بررسی تداوم و گسست و تأثیر آن بر هویت معماری و حس تعلق به بنا و ارتباط بین ساختمان و محیط پیرامون، این‌گونه به نظر می‌رسد که عناصر فضایی و کالبدی در ادوار مختلف باتوجه‌به ساختار فرهنگی و سبک زندگی مردم تا دوره قاجار با تغییراتی توسعه‌یافته ولی از دوره قاجار و با ورود فرهنگ‌های مختلف به جامعه ایرانی و مخصوصاً فرهنگ غربی نقش، معنا و وجه خود را تغییر داده که در برخی موارد سبب حذف برخی از ساختارهای مهم در فضای

معماری ایران گردیده است. این موضوع در بناهای معاصر کاملاً مشهود است. البته تنها ساختار فضایی و کالبدی داخل بنا مطرح نیست بلکه در کنار ساختار فضایی، نمای ساختمان نیز در طول این مسیر تغییر یافته است؛ بنابراین برای تداوم معماری و تقویت نقش معماری سنتی ایران، نیاز به تقویت مجدد ساختار بنا و توجه به مؤلفه‌هایی است که در گذشته معماری ایران وجود داشته و سبب ایجاد نوعی ارتباط عاطفی، احساسی و تعلق بین انسان و ساختار فضایی و کالبدی خانه هست.

### فهرست منابع و مآخذ:

- دوسوسور، فردینان. (۱۳۷۸). دوره زبان‌شناسی عمومی. برگردان کورش صفوی، تهران: انتشارات هرمس.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). بیان و معانی. تهران: انتشارات فردوس.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). درآمدی بر معناشناسی. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ضمیران، محمد. (۱۳۸۲). درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر. تهران: نشر قصه.
- فلامکی، محمد منصور. (۱۳۹۱). اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی. تهران: انتشارات فضا.
- مایس، پیرفون. (۱۳۸۴). عناصر معماری. ترجمه: مجتبی دولت‌خواه. تهران: انتشارات ملائک.
- گیرو، پیر. (۱۳۸۳). نشانه‌شناسی. ترجمه: محمد نبوی، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگه.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۹۳). مبنای طراحی معماری. تهران: انتشارات نغمه نواندیش.
- یاکسیون، رومن. (۱۳۸۰). زبان‌شناسی و شوشناسی. برگردان کردش صفوی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- یاکسیون، رومن. (۱۳۸۰). قطب‌های استعاره و مجاز. برگردان کردش صفوی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- Chandler, D. (۲۰۰۲). Semiotics for beginners: glossary of key terms. Aberystwyth University.
- Silverman, K. (۱۹۸۳). The subject of semiotics. Oxford University Press.
- Kress, G., & Van Leeuwen, T. (۱۹۹۶). The grammar of visual design. London and New York: Routledge.